

مطالعاتی به سوریه، فلسطین و یمن کرد. او عضو «جامعه علمی گوتینگن» و «جامعه یواخیم - یونگیوس» در هامبورگ، و نیز عضو «جامعه اسماعیلی بمبئی» بود (همانجا). اشترتمان از ۱۹۲۷م به تنهایی و از ۱۹۴۸م به بعد مشترکاً با جانشین خود برتولد اشیپولر، سردبیر مجله معروف در اسلام<sup>۲</sup> بود و شمار بسیاری از مقالات خود را در این مجله منتشر کرد (همانجا). اشترتمان در مقام یک متأله و کشیش، مجذوب جنبه‌های معنوی ادیان بود. آنچه در طول حیات علمی خویش در باب مذاهب گفته و نوشته، مبتنی بر درک عمیق دینی او و به همین دلیل، مؤثر و نافذ بوده است (پارت، ۱۳). او انسانی جدی و زاهد بود و با دیدی باز نسبت به مسائل حیات می‌نگریست و سخت شیفته معارف الهی بود.

آثار اشترتمان نمایانگر تعمقی است که وی در مطالعه فرق اسلامی به کار گرفته است. او نه تنها یکسره خویش را وقف تحقیق و تتبع کرده بود، دیگران را هم به کار در این راه تشویق می‌کرد (همانجا). با اینکه زمینه مطالعات اشترتمان بیشتر درباره فرقه‌های اسلامی بود، اما وی به موضوع دیگری نیز پرداخت که گرچه در حاشیه قرار داشت، ولی حائز اهمیت بود و آن تاریخ کلیساهای مشرق زمین بود (همو، ۱۵). به نظر می‌رسد که اشترتمان به شاخه‌های فرعی تر ادیان علاقه بیشتری داشته است، چنانکه بخش اعظم مطالعات اسلامی خود را درباره فرقه‌های زیدیه، نصیری، شیعه و امثال آن قرار داد. درباره کلیساهای مشرق زمین هم که در شرایط نامساعدتر نسبت به کلیساهای اصلی و مسلط جهان قرار داشت، اشترتمان چندین مقاله تحقیقی به رشته تحریر درآورد. اشیپولر شاگرد برجسته و همکار اشترتمان معتقد است (ص ۱) که گویا استادش تقدس اسلامی را در میان اهل تسنن کمتر می‌یافت و به نظرش چنین می‌آمد که جوهر دین در میان آنان با مسائل دنیوی درآمیخته، و اغلب دستخوش مخاطره شده است. به زعم او، انگیزه‌های مادی جوهر اصیل دین و چهره حقیقی آن را نسخ و پنهان کرده است. مطالعات اشترتمان تحت تأثیر همین برداشت کلی از تسنن، به سوی فرقه‌های کوچک‌تر اسلامی، به ویژه تشیع، هدایت شد. این دید با روحیه درونگرایی اشترتمان سازگاری بیشتری داشت. او با هر نوع گرایش اعتقادی و اعمال دینی که روبرو به سوی عوامل خارجی داشت، بیگانه بود و در برابر غوغا و شور و شر دنیوی جانب انزوا را می‌گرفت. وی آن اندازه به مذهب تشیع علاقه نشان می‌داد که همه‌جا، حتی بیرون از مرزهای آلمان، گفته می‌شد: «هرکس بخواهد مکتب تشیع را مطالعه کند، باید به هامبورگ برود»، چون اشترتمان بالغ بر ۲۰ سال در دانشگاه این شهر به تدریس اشتغال داشت (همو، ۲).

اشترتمان کارهای تحقیقی خود را با مطالعه درباره عقاید زیدیه آغاز کرد و مقالات استادانه‌ای در این باب نوشت. سپس، از پی یک رشته تحقیق طولانی و مخصوصاً ویرایش متونی چند از شیعه اثنا عشری، این

بستگانش سپارد. با اینهمه، گفته‌اند که امام صادق (ع) از موضوع نسب محمد و نامه منصور در این باب اظهار شگفتی کردند (بخاری، ۸). اما به روایت ابوالفرج اصفهانی (ص ۳۱۴) از ابن مسعده، فرزند اشتریس از مرگ پدر، چندان همراه ابن مسعده در سند ماند تا منصور درگذشت (۱۵۹ق) و آنگاه در خلافت مهدی عباسی، به مدینه آمد. مأخذ دیگری نیز نشان می‌دهد که فرزند اشتر بعداً از سند کوچ کرده است (نک: ابن صوفی، همانجا).

خاندان نفس‌زکیه از عبدالله اشتر (نک: بخاری، ابن عنبه، همانجاها)، به بنو اشتر یا اشتریه شهرت داشتند که در کوفه و اطراف آن ساکن بودند (بیهقی، ۲۲۵/۱) و بعدها نسلی از ایشان باقی نماند (ابن عنبه، الفصول... ۱۰۸).

مأخذ: ابن صوفی، علی، المجدی، به کوشش احمد مهدی دامغانی، قم، ۱۴۰۹ق؛ ابن عنبه، احمد، عمدة الطالب، به کوشش محمد حسن آل طالقانی، نجف، ۱۳۸۰ق/ ۱۹۶۱م؛ همو، الفصول الفخریة، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۸۷ق/ ۱۳۴۶ش؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، به کوشش احمد صفار، قاهره، ۱۳۶۸ق/ ۱۹۴۹م؛ بخاری، سهل، السلسلة العلویة، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱ق/ ۱۹۶۲م؛ بیهقی، علی، لباب الانساب، به کوشش مهدی رجایی، قم، ۱۴۱۰ق؛ حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، کابل، ۱۳۴۵ش؛ طبری، تاریخ؛ سعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۳۸۴ق/ ۱۹۶۴م.

### آشترقه، نک: استرقة.

اشترتمان<sup>۱</sup>، رودلف (۱۸۷۷-۱۹۶۰م/ ۱۲۵۶-۱۳۳۹ش)، عالم دینی و اسلام‌شناس سخت کوش آلمانی که تحقیقاتش درباره فرقه‌های اسلامی، به ویژه مذاهب شیعی، شایان توجه است.

اشترتمان در لئنگریش و ستفالی زاده شد. او که در آغاز دانشجوی رشته الهیات بود، به هنگام تحصیل در دانشگاه‌های هاله و بُن به مطالعات خاورشناسی علاقه‌ای خاص پیدا کرد. پس از پایان یافتن این دوره تحصیلی، از ۱۹۰۵م/ ۱۲۸۴ش در مونستر به عنوان معلم، و از ۱۹۰۷ تا ۱۹۲۳م/ ۱۲۸۶-۱۳۰۲ش در شول فورتن<sup>۲</sup> در مقام معلم ارشد و کشیش به کار اشتغال یافت. به منظور دستیابی مستقیم به مأخذ عربی در زمینه مطالعات خود، این زبان را نزد کارل بروکلمان (۱۸۶۸-۱۹۵۶م)، استاد زبانهای سامی دانشگاه‌های برسلاو و هاله، آموخت (پارت، ۱۳). در ۱۹۲۳م هلموت ریتز و س. ه. بکر، اشترتمان را به سبب پژوهشهای علمی وی، در ۴۶ سالگی برای نخستین بار بدون رعایت ضوابط و مقررات قانونی به سمت استاد شرق شناسی در گیسن برگزیدند (همانجا: اشیپولر، ۳). در ۱۹۲۷م/ ۱۳۰۶ش، با همین سمت به دانشگاه هامبورگ منتقل شد و در مقام جانشین ریتز به تدریس مشغول گردید و تا ۱۹۴۷م/ ۱۳۲۶ش که بازنشسته شد، در این منصب باقی ماند. اشترتمان پس از بازنشستگی تا چندین سال دیگر همچنان به تدریس ادامه داد و تا اندک مدتی پیش از مرگ پژوهش را رها نکرد.

وی در سالهای ۱۹۱۱-۱۹۱۲م، ۱۹۲۹-۱۹۳۰م و ۱۹۵۲م چند سفر

1. Strothmann

2. Schulpforta

3. Der Islam.

پیامبر»، مباحث فرهنگستان علوم برلین، بخش ادب، زبان و هنر، برلین، ۱۹۵۸م؛ ۲۷. «مباهله در حدیث و آیینهای عبادی<sup>۱</sup>»، در اسلام، ۱۹۵۸م، ش ۳۳؛ ۲۸. «تناسخ نزد نصیری<sup>۲</sup>»، آرنس، ۱۹۵۹م، ج ۱۲.

افزون بر اینها، اشتریمان بر شماری از کتابها و مقالات تحقیقی دیگران نقدهایی نوشته که عموماً در مجله در اسلام منتشر شده است (نک: XI/270, XIII/300, XIV/137, 190, XVI/280, XVII/102, 296, 320, XIX/33, XXI/292).

مآخذ:

Der Islam; Paret, Rudi, «Rudolf Strothmann», ZDMG, 1961, vol. CXI; Spuler, B., «Rudolf Strothmann», Der Islam, 1960, vol. IV.  
مجدالدین کیرانی

اشترینان، بخش و شهری واقع در شهرستان بروجرد از استان لرستان.

بخش اشترینان: اشترینان یکی از بخشهای دوگانه شهرستان بروجرد است و در شمال آن قرار دارد. این بخش که دارای ۳ دهستان به نامهای اشترینان، برده سره و گودرزی است، ۱۰۴ آبادی دارد که از این میان ۳۱ آبادی خالی از سکنه است (آمارنامه، ۱۳۷۲ ش، ۱۵، ۲۰). بخش اشترینان از شرق و جنوب به بخش مرکزی، و از غرب و جنوب غربی به شهرستان خرم آباد، و از شمال به شهرستان ملایر از استان همدان محدود است (همان، ۱۰).

این بخش در یکی از دشتهای پیشکوهی زاگرس قرار گرفته است (نقشه عملیات) و به علت همجواری با کوههای کزو و یزدگرد دارای آب و هوای ویژه مناطق کوهستانی با زمستانهای سرد و تابستانهای معتدل و خشک است. میانگین بارش سالانه آن ۳۵۰ میلی متر گزارش شده است (جغرافیا، ۱۰۹۷/۲....).

جمعیت این بخش ۴۱'۵۱۶ نفر (۷'۴۴۲ خانوار) است که ۵'۳۵۹ نفر (۱'۱۶۴ خانوار) در مناطق شهری (اشترینان) و ۳۶'۱۵۷ نفر (۶'۲۷۸ خانوار) در روستاها سکنی دارند (آمارنامه، ۱۳۷۲ ش، ۷۸). فعالیت اقتصادی ساکنان این بخش بیشتر زراعت، کارگری ساده و دامداری است، ولی در کنار کارهای اصلی به قالی بافی نیز می پردازند (فرهنگ اقتصادی، ...، «۲۹/۲»، «۲۹/۵»؛ فرهنگ جغرافیایی، ...، ۱۶/۶).

کشت گندم و جو، حبوبات، نباتات علوفه ای، سیب زمینی و پیاز در این ناحیه رایج است، نیز انگور، سیب و محصولات جالیزی و گوجه فرنگی در این بخش به عمل می آید (فرهنگ اقتصادی، «۲۹/۲»، «۲۹/۳»). آب مورد نیاز کشاورزی این ناحیه از قنات، چشمه، رودخانه و

مذهب را در مرکز دایره پژوهشهای خود قرار داد، اما در واپسین سالهای عمر، بیشتر توجهش معطوف اسماعیلیان شد (همانجا).

آثار: ۱. «مؤلفات زیدیه»، در اسلام، ۱۹۱۰م، ش ۱، ۱۹۱۱م، ش ۲؛ ۲. «حقوق عمومی زیدیه<sup>۱</sup>»، استراسبورگ، ۱۹۱۲م؛ ۳. «عبادات زیدیه<sup>۲</sup>»، استراسبورگ، ۱۹۱۲م؛ ۴. «مباحثی در باب مبتدعه زیدیه در آثار رمزی اسلامی، یزید اول در ادبیات عامه اسلامی»، در اسلام، ۱۹۱۳م، ش ۴؛ ۵. «مسأله شخصیت زید بن علی در آثار مکتوب»، در اسلام، ۱۹۲۳م، ش ۱۳؛ ۶. «بدر، أحد و کریم»، «مجله آثار شرقی<sup>۳</sup>»، ۱۹۲۶م؛ ۷. «شیعه اثنا عشری<sup>۴</sup>»، لایپزیگ، ۱۹۲۶م؛ ۸. «مؤلفات شیعه<sup>۵</sup>»، انتشارات اتوهاراسوئیتس، ۱۹۲۶م؛ ۹. «مرکز دینی و اعتقادی اباضیه، مؤلفات اباضیه<sup>۶</sup>»، اتوهاراسوئیتس، ۱۹۲۷م؛ ۱۰. «بربر و اباضیه»، در اسلام، ش ۱۷، ۱۹۲۸م؛ ۱۱. «اصول اعتقادات اسلامی و کتاب اشعری در این باره»، در اسلام، ۱۹۳۱م، ش ۱۹؛ ۱۲. «آثار خطی و چاپی»، در اسلام، ۱۹۳۳م، ش ۲۱؛ ۱۳. مقالات «سبعیه» (۱۹۲۴م)؛ «شیعه» (۱۹۲۷م)؛ «نقیه» (۱۹۲۸م)؛ «تشبیه» (۱۹۲۹م)؛ «تعزیه» (۱۹۳۰م)؛ «ثنویه» (۱۹۳۰م)؛ «محمديه» (۱۹۳۳م) و «ظاهریه» (۱۹۳۴م) در «دائرة المعارف اسلام<sup>۷</sup>»؛ ۱۴. «تاریخ فرقه های بدعت گذار اسلامی»، «فرهنگ اسلامی<sup>۸</sup>»، ۱۹۳۸م، ش ۱۲؛ ۱۵. «پاسخ در روزیه در رد نصیریها»، در اسلام، ۱۹۳۹م، ش ۲۵؛ ۱۶. «تعالیم سزی باطنیان طبق کتاب عقاید آل محمد، تألیف محمد بن حسن دیلمی»، بیلبویتیکا/اسلامیکا، استانبول، ۱۹۳۹م، ش ۱۱؛ ۱۷. «متون گنوسی اسماعیلیه: نسخه خطی عربی آمبروزیانا، ش ۷۵ H»، «انتشارات فرهنگستان علوم گوتینگن»، بخش زبان شناسی تاریخی، ۱۹۴۳م؛ ۱۸. «میمون بن قاسم طبری: تقویم جشنهای نصیری، متن درسی در باب دولت علویان سوریه»، در اسلام، ۱۹۴۶م، ش ۲۷؛ ۱۹. «اسلام، فرق<sup>۹</sup>»، «متن علم دین»، برلین، ۱۹۴۸م، ج ۱؛ ۲۰. «نصیری در سوریه امروز»، «انتشارات فرهنگستان علوم گوتینگن»، بخش زبان شناسی تاریخی، ۱۹۵۲م، ش ۴؛ ۲۱. «کتاب الکشف» جعفر بن منصور الیمین، انتشارات انجمن پژوهشهای اسلامی، ۱۹۵۲م، ش ۱۳؛ ۲۲. «نصیریها به روایت نسخه خطی عربی برلین، ش ۴۲۹۱»، «دکومتا اسلامیکا، برلین، ۱۹۵۲م؛ ۲۳. «فرقه های سری شرقی در تحقیقات غربیان و نسخه خطی شهر کیل ش ۱۹»، انتشارات فرهنگستان آلمانی علوم، بخش زبان و ادب و هنر، برلین، ۱۹۵۳م؛ ۲۴. «فقه اسماعیلیه<sup>۱۰</sup>»، در اسلام، ۱۹۵۴م، ش ۳۱؛ ۲۵. «تفسیر اسماعیلیه بر قرآن، سوره های ۱۱-۲۰، نسخه خطی آمبروزیانا ش ۷۶»، «انتشارات فرهنگستان علوم گوتینگن»، بخش زبان شناسی تاریخی، ۱۹۵۵م، ش ۳۱، ۳؛ ۲۶. «آراء سری نصیری، تواریخ و احادیث قدسین

1. Das Staatsrecht der Zaiditen. 2. Kultus der Zaiditen. 3. Orientalistische Literaturzeitung. 4. Die Zwölfer-Sch'fa. 5. Sch'fa-Literatur. 6. Der religionspolitische und dogmatische Ort der Ibāditen... 7. EI<sup>1</sup>. 8. Islamic Culture. 9. «Der Islam, Sekten» 10. «Recht der Ismailiten». 11. «Die Mubāhala in Tradition und Liturgien» 12. «Seelenwanderung bei den Nusairi». 13. Oriens.